

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۱ • ۱ مهر ۱۴۴۳ • ۳۰ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۳۱
اذان صبح فردا ۴:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

# شترت

دیالوگ روز

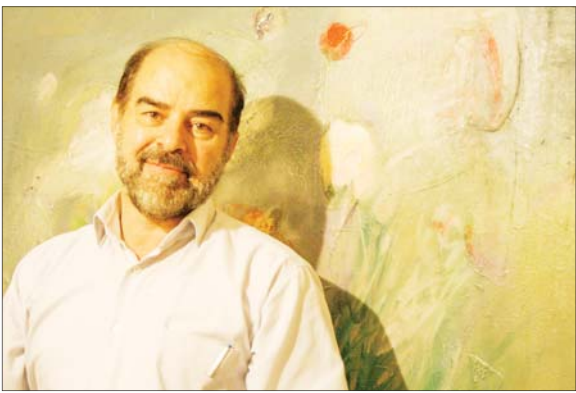
**رستگاری در شائوشنگ-فرانک دارابونت- ۱۹۹۴**

اندی (تیم رایبیز): «این دیوارها به جورایی مسخره‌ان. اول از اونا بدت میاد. بعدا بهشون عادت می‌کنی. بعد به مدتی هم جووری می شه که به اونا وابسته می‌شی. این قانونشه. اونا برای زندگی میارنت اینجا و این دقیقا همون چیزیه که ازت می‌گیرن. یادت باشه رد. امید چیز خوبی، شاید بشه گفت بهترین چیزهاست و چیزهای خوب هیچ وقت نمی‌میرند».

رد (مورگان فریمن): «بذار به چیزی بهت بگم رفیق. امید چیز خطرناکیه. امید می‌تونه به آدمو دیوونه کنه».

### در ثای زنده‌یاد حبیب‌الله صادقی

## بوی سبز برگ درخت



**احمد مسجدجامعی**

وقتی در برنامه چهارم توسعه در دولت اصلاحات، مبانی نگاه شهری به فرهنگ پایتخت را تصویر می‌کردیم، چند راسته متفاوت در دستور کار قرار گرفت: راسته موزه‌ها که مجموعه‌بناهای سردر باغ ملی، نقطه محوری آن بود، راسته موسیقی و تئاتر که با ساخت پیاده‌راه میان تالار وحدت و تئاتر شهر آغاز می‌شد و بالاخره راسته کانون هنرهای تجسمی که در خیابان سمیه با محوریت ساختمان حوزه هنری و بنای ارزشمند اطراف آن تا خیابان طالقانی را در بر می‌گرفت.

خاطره حوزه هنری جز نام مؤسسان، با انباری پر از تابلوهای هنرمندان همراه بود که از همان آغاز، حبیب‌الله صادقی یکی از ستون‌های آنجا به‌شمار می‌آمد و بیشتر با زنده‌یاد ابوالفضل عالی در پی یافتن جای مناسبی برای آتاری بود که در طول زمان، نقاشی شده و به‌جا مانده بودند و اینک در مسوله‌ای سیمانی در هوایی دم‌کرده و گرم و در شرایطی نامناسب روی هم انبار شده بودند.

در آن ایام، گزارش یک دهه از فعالیت پدیدآورندگان این آثار در مجموعه‌ای نفیس چاپ شده و هریک از نقاشان، جملائی کوتاه در آغاز نوشته بودند. حرف‌های حبیب اینها بود:

«هنری که در امتداد ارزش‌های مکتب حرکت می‌کند، هنری است رهایی‌بخش که سرچشمه در نور و عشق دارد و به دریای عقل و معرفت راه می‌گشاید و هیچ‌گاه نباید آن را شعاری و فاقد کیفیت و ارزش‌های الهی دانست… هنرمند انسانی است آرمان‌گرا که با نمودها و سمبل‌هایی که به کار می‌گیرد، سعی در رسیدن به آرمان خود دارد. مسئولیت هنرمند تنها در برابر فرهنگ ملی و قومی خودش نیست بلکه مسئولیتی الهی

### یادداشت

### بی‌تدبیری آشکار



کشتار سگ‌ها، ردپای زمخت مدیران بی‌تدبیری است که در بی‌مسئولانه‌ترین شکل ممکن، به گمان خود، به حل مسائل می‌پردازند. می‌شود نامشان را گذاشت مدیران دست‌به‌اسلحه. مدیرانی که دلیل یا نیازی برای پاسخ‌گویی ندارند. آنها کار خودشان را می‌کنند و از نگاه‌شان مردم و فعالان نیز هارت و پورتی می‌کنند و همه‌چیز تمام می‌شود و از یاد می‌رود. اما در واقعیت، موضوع شکل و گونه دیگری است. نبود مدیریت درست و ساختارمند موجب زیرآبی محیط زیست شده است. وجود صدها قلاهد سگ رها در طبیعت، معنایش وجود اشکال جدی در مدیریت محیط زیست شهری و روستایی است؛ مدیریت کلان «همه‌چیزدانی» که از پرسیدن عار دارد. آیا تحقیق و بررسی راجع به اینکه در دیگر کشورها با مشکلات زیست‌محیطی و حیوانات چگونه برخورد می‌شود، کار دشواری است؟ آیا در کشورهای دیگر هم به‌سوی حیوانات بی‌دفاع گلوله



• آیین سنتی برپایی خیمه‌های قدیمی ۶۰۰ساله محرم بر فراز حسینیه‌های شهر زرقان استان فارس، از منحصربه‌فردترین آیین‌های محرم در کشور است که قدمت آن به دوران صفویه می‌رسد.
عکس: محمدرضا فریود / فارس

#### زمین‌خوانی

### استان تهران، گرفتار ریسک سیلاب



بارندگی شدید از شامگاه چهارشنبه پنجم مرداد تا پنجشنبه ششم مرداد حداقل مرگ ۹ نفر را در روستای امامزاده داوود در شمال تهران به‌دنبال داشت و تا بمباد جمعه ۱۴ نفر همچنان مفقود بودند. مقامات هشدار دادند که بارش‌های شدیدتر در روزهای آینده محتمل است و از مردم خواستند از مناطق کوهستانی و حاشیه رودخانه‌های پایتخت پرهیز کنند. بر اثر سیلاب گل‌ولای ناشی از بارش در دامنه‌های کوه‌های البرز در حدود ساعت ۲۳ چهارشنبه ۱۴۰۱،۵،۵ به حرم امامزاده داوود در شمال غرب تهران آسیب وارد کرد و دست‌کم ۹ نفر مجروح شدند. سیل امامزاده داوود دقیقا ۶۸ سال پس از سیلاب پنجم مرداد ۱۳۳۳ امامزاده داوود رخ داد که موجب خسارت و تلفات فراوان در همین روستا، تخریب بقعه و البته کشته‌شدن چنده نفر از هم‌وطنان شد. در همین مقطع زمانی بخش‌های مختلف شیرانات از جمله میگون دچار سیلاب و البته تلفات شد. زیارتگاه امامزاده داوود بارها در اثر سیلاب آسیب شدید دیده و مجدداً ترمیم شده است. ضمناً روستای امامزاده داوود، علاوه بر جاذبه زیارتی و فرهنگی، مانند بسیاری از روستاهای اطراف تهران اکنون از روستاهای مهاجرنشین پیرامون تهران نیز هست. رشد روزافزون شهرها و هجوم مهاجران، تهران را از شهری با وسعت ۷،۵ کیلومترمربع با ۱۵هزار نفر جمعیت به یک ابرشهر با ۱۰ میلیون نفر جمعیت ثابت در شب‌هنگام و حدود ۴،۵ میلیون جمعیت که در پیرامون تهران زندگی می‌کنند، تبدیل کرد. برای احیای فضاهای باز سبز در کنار دره‌های رودخانه‌های شهری تهران اولین گام بررسی سریع توسعه شهری تهران در دهه‌های اخیر است. تهران با حومه در دامنه کوه‌های البرز به مساحت هزارو ۵۰۰ کیلومترمربع واقع شده است. این شهر بخش شمالی دشت آبرفتی تهران را به خود اختصاص داده است و از کوهستان به سمت کویر بزرگ نمک سیدار است. ارتفاع آن از سطح دریا حدود هزارو ۲۰۰ متر است و آب‌وهوای معتدلی دارد. منطقه شهری از شمال و شرق به کوه‌هایی محدود می‌شود که شیب زمین به سمت جنوب در طول ۲۵ کیلومتری حومه شمالی تا شهری در جنوب ۸۰۰ متر است. رشد تصاعدی جمعیت تهران پس از انقلاب اسلامی، به دلیل هجوم مهاجران از جوامع روستایی به شهر، منجر به توسعه سریع و غیرقابل کنترل ساختارهای شهری شده است. تا توجه به امتداد این فضاهای طبیعی شهری امروزه مشکلات جدی را ایجاد کرده است. آشنایی گسترده شده است. درباره دره‌های هفت‌گانه‌ای که از بافت شهری تهران می‌گذرند کمترین ملاحظه در برنامه‌های توسعه شهر صورت گرفته است. ایجاد کریدورهای سبز در کنار این رودخانه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین عامل متعادل‌کننده زیست‌محیطی، راهبردی حیاتی برای مشکلات زیست‌محیطی کنونی شهر تهران است. رود-دره‌های تهران هفت رودخانه شمالی- جنوبی در کریدورهای طبیعی ساختار منظر تهران هستند. این هفت رود-دره عبارت‌اند از:کن، فرح‌زاد، درکه، دربند، گل‌لاید، جره، جمشیدیه و دارآباد. آنها زیستگاه‌های حاصلخیزی هستند که زیستگاه انواع گیاهان و جانوران بوده و نقش مهمی به‌عنوان حوضه آبریز و مکان‌هایی برای جریان انرژی و باد برای حذف آلودگی هوا از محیط شهر ایفا کرده‌اند و فرصتی را برای ارتباط با بافت طبیعی کوه-دشت فراهم می‌کنند. مناطق مرتفع به دلیل تخریب کمتر محیطی ناشی از توسعه شهری از شرایط بهتری نسبت به مناطق پست بهره می‌برند. کریدورهای هیدرولوژیکی طبیعی در امتداد دره‌ها با عوامل مخرب بیشتری مواجه هستند و به دلیل تغییرات ساختاری، عملکرد اکولوژیکی کمتری از شمال به جنوب دارند. راهروهای طبیعی بسیاری تکه‌های طبیعی و ساخته‌شده را که در امتداد آنها پراکنده شده‌اند به هم متصل می‌کنند. این راهروها بیشتر در جهت شمال به جنوب هستند و ارتباطات اکولوژیکی شرق و غرب به دلیل ساختار مورفولوژیکی شهر محدود شده است. این هفت رود-دره تهران همواره نقش بسزایی در ارائه خدمات ارزشمند زیست‌محیطی به شهر داشته‌اند. از زمان قاجار روستاهایی با آب‌وهوای مساعد در خارج از شهر ساخته شد و ویلاهای حکمرانان و مردم مرفه به دلیل وجود آب فراوان، هوای خنک در تابستان و گیاه طبیعی در کنار دامنه‌های تپه‌های مجاور دره‌ها ساخته شد. زندگی کم‌کم دالان‌های سبز شیرانات در کنار دره‌های رودخانه‌ای ساخته شد که محورهای توسعه ناپایدار شهر را در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ تشکیل می‌داد. اما در دهه‌های بعد توسعه شهر به سمت دامنه تپه‌ها عمدتاً بدون توجه به این ساختارهای طبیعی افزایش یافت و تخریب این فضاهای طبیعی شهری امروزه مشکلات جدی را ایجاد کرده است. آشنایی با این پهنه‌های طبیعی، حفظ و سازماندهی آنها و استفاده بهینه از آنها امری بسیار حیاتی است. اکنون می‌توان بررسی کرد که به غیر از امکانات جدیدی که از نظر نمایش فعالیت‌های مدیران و بعضاً کارکنان مدیریت سوانح در شبکه‌های اجتماعی و فضای دیجیتال و پیش‌رفتی که در زمینه روابط عمومی اخیراً حاصل شده، چه میزان کارکنان با قابلیت و کیفیت بالا در دهه اخیر در سازمان‌های مسئول در مدیریت سوانح مشغول کار شده و چه تعداد سنسور و گیرنده‌های تخصصی هشدار سوانح ایجاد یا افزایش داده شده و اینکه آیا یک سازمان جامع هشدار اولیه در دهه اخیر ایجاد شده یا نه. مطالعه در نقاط مختلف دنیا به‌ویژه در آمریکای جنوبی نشان داده است که هرچه دولت پوپولیست‌تر باشد، امداد (و نمایش امداد) را به پیشگیری ترجیح می‌دهد، حتی اگر عملیات امداد بسیار گران‌تر باشد. بسیاری از مردم عادی به پیشگیری قبل از فاجعه اقبال کمتری نسبت به کمک‌های پس از فاجعه نشان می‌دهند. سیاست‌های پوپولیستی به‌طور گمراه‌کننده‌ای به‌عنوان جایگزین سیاست بهینه کارشناسی، قادر به دستیابی به اهداف برنامه‌های کارشناسی، حتی گران‌تر نیستند.

و جهانی دارد». اینک که سال‌ها از آن روزگار می‌گذرد، وقتی به نوشته‌های او نظر می‌کنم، می‌بینم حبیب تا آخر بر همان نام و نشان ماند که بود؛ با همان صفای باطن، شوریدگی، ایران‌دوستی، دل‌نازکی و دلدادگی که او را از اطرافپایش متمایز می‌کرد.

حبیب صادقی وقتی برای نقاشی دست به قلم می‌برد، ذکر مصیبتی هم همراه کار خود می‌کرد اما نه از مداحان رساله‌های رسمی بلکه از ذاکر حسین سیدالشهدا (ع)، سلیم مؤذن‌زاده برادرزاده رحیم مؤذن‌زاده‌اردبیلی که با صدای گرم، «زینب زینب زینب…» می‌خواند و حبیب با آن نوا کار بر نقاشی‌اش را آغاز می‌کرد. همسر فداکار حبیب می‌گفت او دستنی به قلم داشت و با دستی بر سینه می‌زد و با چشمانی اشک‌بار کار را ادامه می‌داد و به پایان می‌برد.

همچنین از همسر بزرگوارش شنیدم که حبیب هر سال در آغاز محرم، اثری را کلید می‌زد و ۲۹ صفر همان سال به پایان می‌برد. این مجموعه جز یک نقاشی که به موزه لس آنجلس رفته، بقیه در مجموعه ایشان مانده است. حبیب این آثار را نمی‌فروخت و می‌گفت «دین‌شغلی» کار من نیست.

او با آنکه می‌دانست دشمن یعنی در عراق، خنجر به قلب ما زده و دهه‌اثر در تقبیح جنگ و بزرگداشت زرمندگان پدید آورده بود ولی عمیقاً بر این باور اصرار داشت که «کرپلا قبله عشاق جهان خواهد بود».

حبیب‌الله صادقی از نوجوانی با صدای شجریان آشنا بود و همدلی و همراهی پیوسته از صدای او می‌جست. دخترش زینب می‌گفت با صدای آواز استاد، مینیاتورهای خود را رقم می‌زد و کمتر اثری از اوست که رگه‌هایی از این سبک در آن نباشد. پوستری از شجریان با امضای وی در اتاق نشیمن خانهٔ آنها از سال‌ها پیش تاکنون به چشم می‌خورد.

حبیب وقتی به مجلس حضرت زهرا(س) می‌رفت، به همان مجلسی می‌رفت که همیشه رفته بود و نمی‌گذاشت تحولات سیاسی به او دیکته کند کجا برود و کجا نرود.

حبیب صادقی هرچند خود با جلوه‌های نور و رنگ‌های سبز و فیروزه‌زای و زرد و طلایی، آثارش را متمایز می‌کرد و برق معنویت در آنها چشمگیر بود اما به‌هیچ‌وجه انتظار نداشست همه همچون او بیندیشند و تصویرگری کنند بلکه در حضور دیگران هرآنچه داشت در طبق اخلاص می‌گذاشت تا تصویر آنان دیده و صدایشان شنیده شود.

در اواسط دهه ۸۰ وقتی او مدیر موزه هنرهای معاصر شد و به‌و اعتراض کردند که برخی آموشده‌ها به‌صلاح نیست و باید محدود شود، اشاره به آماده‌بودن استعفاش کرد تا نشان دهد حریم و حرمت هنر، اندیشه و فرهنگ را بالاتر از سیاست‌ورزی می‌داند.

حبیب هنرمندی بزرگ‌تر از سیاست و سیاست‌مداران بود و بی‌پروا از معبودهای خود سخن می‌گفت؛ از سرباز، از استاد و از پرسابقه‌ترین مدیر رسانه‌ای کشور که هم پدرش و هم خودش از همکاران دیرین او بودند و دوست داشت پسرش امیرحسین نیز با آنان همکار شود.

حبیب‌الله صادقی همه عمرش چنان‌که به آن شاگرد خویش گفته بود، در پی آن بود که بر یوم، برگی بکشد که بوی سبز برگ درخت را بپراکند، عُجب دامن او را نمی‌گرفت که برگی کشیدم بلکه خضوع به او می‌گفت: «حبیب جان! بویش کو؟»

برگ درختان سبز در نظر هوشیار، هر ورقش دفتری است…

### بیانیه

### آرزوی موفقیت برای ۴ فیلم ایرانی درونیز



**تابناک:** کانون کارگردانان، حضور چهار فیلم از ایران را در هفتادونهمین دوره جشنواره ونیز تبریک گفت. در پیام آنان آمده است: «کانون کارگردانان سینمای ایران حضور دو فیلم «شب، داخلی، دیوار» (وحید جلیلود) و «خرس نیست» (جعفر پناهی) در بخش اصلی هفتادونهمین دوره جشنواره و فیلم ونیز و حضور دو فیلم «جنگ جهانی سوم» (هومن سیدی) و «بی‌روفا» (آرین وزیردفتری) در دو بخش اقق‌های این جشنواره را به کارگردانان این فیلم‌ها صمیمانه تبریک می‌گوید. همان‌قدرکه حضور این چهار کارگردان در جشنواره ونیز باعث مباهات و خوشحالی ماست، حضور جعفر پناهی در زندان باعث نگرانی و تأسف همه همکاران اوست. کانون کارگردانان سینما از ساعات اولیه یادداشت او و دو کارگردان دیگر، محمد رسول‌اف و مصطفی آل‌احمد که از ۱۷ تیر، سه هفته است در زندان انفرادی هستند، پیگیر حل مشکلات پیش آمده و آزادی آنان بوده و هست. ما از ریاست محترم قوه قضائیه، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین ریاست محترم سازمان سینمایی می‌خواهیم که به درخواست ۱۹ صنف سینمایی و صدا سینماگران توجه کنند و شرایط لازم را جهت بررسی هرچه‌سریع‌تر وضعیت این سینماگران و آزادی آنان مهیا کنند». در پایان این بیانیه برای چهار فیلم حاضر در جشنواره فیلم ونیز آرزوی موفقیت شده است.